

نگرش توصیفی به اسماء الاهی در کتاب مقدس عبری^۱

جواد فیروزی^۲

عضو هیأت علمی گروه ادیان و عرفان دانشگاه سمنان

طاهره زارع بنادکوی^۳

دانش‌اموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه سمنان

چکیده

بحث درباره اهمیت نام‌ها، به‌ویژه نام‌های خداوند بحث پیچیده‌ای است. در دوره‌های باستان نام یک شخص یا خدا با شخصیت و هویت وی برابر بود و آگاهی از نام خدا یا شخص کارکردی جادویی داشت. مسئله نام در عهد عتیق نمود ویژه‌ای دارد. خداوند در عهد عتیق با نام‌های گوناگونی چون ال، ال شَدای، الوهیم، آدونای و یهوه خوانده می‌شود. برخی از این نام‌ها بسیار کهن‌اند و برخی دیگر خاستگاهی سامی دارند. ال اصطلاحی رایج برای خدا در همه قبایل سامی، و یهوه نام شخصی خدای بنی‌اسرائیل است. به زبان آوردن نام شخصی خدا تابو بود و گناهی بزرگ به‌شمار می‌آمد. بنابراین، برای حفظ حرمت نام مقدس، اصطلاح آدونای (سرور) جایگزین آن شد. هریک از نام‌هایی که در عهد عتیق برای خدا بکار رفته، سیمایی متفاوت از خدای بنی‌اسرائیل را ارائه می‌دهد. برای نمونه، ال خدایی رثوف، و الوهیم، داور است. نام یهوه در جایی نشانگر صفت رحمت خداست و در جای دیگر از او خدایی انتقام‌جو می‌سازد. پژوهش حاضر در چارچوب یهودیت باستانی و با رویکردی توصیفی-تاریخی در حد توان می‌کوشد جنبه‌های گوناگون این مسأله را بازنماید.

کلیدواژه‌ها

نام، عهد عتیق، ال، الوهیم، آدونای، یهوه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۱۹

۲. پست الکترونیک: j_firoozi@yahoo.com

۳. پست الکترونیک: tz.378945@gmail.com

مقدمه

گوته (۱۷۴۹-۱۸۳۲م) در زندگینامه خودنوشت مشهورش، شعر و حقیقت می‌نویسد: «نام انسان همچون تن‌پوش برازنده کاملی است که چون پوستش با او رشد می‌کند؛ کسی نمی‌تواند این تن‌پوش را جابجا کند یا بخرشد بی آنکه به انسان صدمه‌ای بزند».^۱ این عبارت به‌سادگی مفهومی وجودشناسانه از مسأله ویژه «نام» را بیان می‌کند که برطبق آن نام انسان یکی از اجزای حیاتی وجود او به‌شمار می‌آید و هرگونه رفتار بدخواهانه با آن چون ضربه‌ای جراحی‌بار بر پیکر انسانی است. در جوامع ابتدایی نام بیش از هر چیز نشانگر شخصیت فرد بود. انسان ابتدایی نام را بخشی حیاتی از وجود خود می‌دانست و به‌شدت از آن مراقبت می‌کرد. این درجه از اهمیت، منجر به پیدایش آداب و رسوم شگفت در زمینه پنهان‌کردن و تغییردادن نام گردید. مثلاً بومیان استرالیا براین باور بودند که دشمن با دانستن نام شخص، چیزی در دست دارد که می‌تواند بوسیله آن به‌گونه‌ای سحرآمیز به او آسیب بزند. از این‌رو، همواره می‌کوشیدند تا نام واقعی خود را از دیگران پنهان نگاه دارند. ترس از آسیب ساحران و جادوگران باعث شد که نام به تابویی بدل شود که به‌زبان آوردن آن جز در شرایط ویژه جایز نیست. در این میان، نام‌های پادشاهان و خدایان از حرمت و قداست به‌سزایی برخوردار بود. انسان ابتدایی نام‌های خدایان‌اش را نیز همچون نام خود و نیاکانش محترم می‌شمرد و معتقد بود که باید نام واقعی خدایان را از دسترس نیروهای شر و جادو دور نگه داشت تا از هر گزند در امان باشد.^۲

نام خدا تعیین‌کننده قلمرو فعالیت او، و تعدد نام‌هایش نشانه قدرت و عظمت او است. بنابراین، هر که بخواهد از حمایت خدا برخوردار شود، باید به قلمرو ویژه او گام نهد و نام او را به‌طور صحیح فراخواند.^۳ در مصر باستان، بیش از هر جای دیگری، بر اهمیت جادویی

1. Goethe, Johann Wolfgang, *The Autobiography of Goethe, Truth and Poetry: From My Life*, John Oxenford (trans.), London, 1848, p. 351.

۲. فریزر، جیمز جورج، *شاخه زرین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۷، صص ۲۷۱-۲۸۵؛ نیز نک:

Frazer, James George, *Taboo and the Perils of the Soul*, London, 1976, pp.318-418.

۳. کاسیرر، ارنست، *فلسفه صورت‌های سمبلیک*، ترجمه یدالله موقن، تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۷، صص ۹۶-

نام الاهی تأکید می‌شد. در سرودهای دینی مصریان که در ستایش آمون-رع^۱ آمده، بارها نام مقدس و پنهان او مورد ستایش قرار می‌گیرد.^۲ زیرا نام، عنصر شخصیت و قدرت خدایان، و نام پنهان نشانگر سیطره و برتری یک خدا بر انسان‌ها و دیگر خدایان است. در مصر باستان، رع (خدای خورشید) دارای نام‌های بسیاری بود که یکی از آن‌ها نام سرّی^۳ و ابزار قدرت او به‌شمار می‌رفت. او با نیروی نامش، خود و دیگر کائنات را به‌وجود آورد و بر همگان برتری می‌یابد.^۴ در این میان ایزیس جادوگر موفق شد که نام سرّی رع را به‌دست آورد و بر او و دیگر خدایان چیره شود.^۵ باید توجه داشت که در این‌جا قدرت خداوند با نام او پیوندی بنیادین دارد، و هنگامی که نام او افشاء شود، قدرتش نیز از دست می‌رود. زیرا همچنان که اشاره شد، نام نه جزئی مجزا، بلکه بخشی حیاتی از وجود است و پیوندی ناگسستنی با زندگی شخص یا خدا دارد.

اهمیت نام در کتاب مقدس عبری

در کتاب مقدس عبری، همچون دیگر سنت‌ها، «نام» و «نام‌گذاری» از جایگاه رفیعی برخوردار است.^۶ در سفر پیدایش آمده که «خداوند همه چهارپایان و پرندگان را که از

1. Amon- Ra

2. Pritchard, James B.(ed.) *Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament*, Princeton, Princeton University Press, 1955, pp. 366-367.

3. Secret Name

4. اسطوره آفرینش با کلام، تقریباً در همه دین‌ها وجود دارد. بررسی بیشتر در این زمینه نیازمند پژوهشی دیگر است. در این‌باره منابع گوناگونی وجود دارد. مثلاً: بیرلین، ج. ف.، *اسطوره‌های موازی*، ترجمه عباس منخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۶، صص ۵۱-۱۰۴؛ ماسون، دنیز، *قرآن و کتاب مقدس*، ترجمه فاطمه تهامی، تهران، دفتر نشر سهروردی، ۱۳۸۶، صص ۱۶۰-۱۶۸؛ و نیز

- Pritchard, J.B., pp. 3-6.

- Langdon, Stephen H., *The Mythology of All Races*, vol. 5 (Semitic), New York, 1964, pp.104-105, 277-325.

5. Pritchard, pp. 12-14; Frazer, pp. 387-389.

6. اصطلاح «نام» ۶۴۳ بار در کتاب مقدس عبری آمده است. اصطلاح عبری رایج برای نام، «شیم» (برابر با «اسم» در زبان عربی) است؛ که با ریشه «متعالی‌بودن» پیوند دارد و در معنای «عظمت» و «برتری» بکار می‌رود. مثلاً در مزامیر آمده: «ای خدا با نام خود مرا حفظ کن و با قدرت خویش از من دفاع کن» (۱: ۵۴). افزون بر این «شیم» با واژه «شیمین» به‌معنای روغن پیوند دارد که نوعی بازی با کلمات در سنت‌های سامی تلقی شده است. نک:

خاک سرشته بود، نزد آدم آورد تا ببیند که آدم چه نام‌هایی بر آن‌ها می‌گذارد. بدین ترتیب تمام چهارپایان و پرندگان نام‌گذاری شدند. پس آدم تمام حیوانات و پرندگان را نام‌گذاری کرد» (۲: ۱۹-۲۰). در این جا آدم از مزیتی برخوردار است که او را از دیگر کائنات متمایز می‌کند: و آن علم الأسماء، یعنی دانشی است که سرچشمه قدرت آدمی به‌شمار می‌آید. آنچه در این باره به زیبایی تصویر می‌شود این است که آدمی با بهره‌جستن از تفکر و زبان خویش بر کائنات چیره می‌شود. به‌همین ترتیب، خدا نیز در آغاز، برای نشان دادن برتری‌اش با کلام خود جهان را می‌آفریند (پیدایش، ۱).

نخستین ارتباط کلامی موسی با خدا در حالی پایان می‌پذیرد که موسی از خدا می‌خواهد نامش را به او بگوید. اما خداوند پاسخ روشنی نمی‌دهد، بلکه تنها عبارتی را به‌کار می‌برد که نشان‌دهنده وجود خودبسنده اوست (هستم، آنکه هستم). این‌که خداوند نام واقعی‌اش را برای موسی آشکار نمی‌کند، ریشه در سنتی سامی دارد که براساس آن آگاهی از نام موجب تسلط بر شخص یا خدا می‌شود.^۱ چنان‌که در ماجرای کشتی‌گرفتن یعقوب با ال نیز، یعقوب در پایان نام حریفش را می‌پرسد، اما با انکار وی مواجه می‌شود (پیدایش، ۳۲: ۲۲-۳۲)، انکاری که می‌توان آن را به‌نوعی ترس در از دست‌دادن قدرت تعبیر کرد. در واقع خداوند نامی را که بیان‌گر ذات و ماهیت اوست، در اختیار بشر نمی‌گذارد تا به انسان وابسته شود، بلکه تنها واژه‌ای را می‌گوید که مؤمنان باید او را به آن بخوانند.^۲ نام واقعی خداوند تابو است. خدا در ده فرمان خطاب به موسی می‌گوید: «از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوءاستفاده مکن. اگر نام مرا با بی‌احترامی بر زبان بیاوری، یا به آن قسم دروغ بخوری، تو را مجازات می‌کنم» (خروج، ۲۰: ۷). از آنجایی‌که ارتباط تنگاتنگی بین «وجود»^۳ و «نام» برقرار است، هرگونه سوءاستفاده از نام اهانت به قداست خداوند به‌شمار می‌آید.^۴

Byrne, Maire, *The Names of God in Judaism, Christianity and Islam: a Basis for Interfaith Dialogue*, London, 2011, pp.14-16; Black, Matthew (ed.), *Peake's Commentary on the Bible*, London and New York, Routledge, 2001, p. 463.

۱. ماسون، ص ۴۷.

۲. همانجا.

3. Being

4. Black, M., p. 228.

در اسرائیل باستان خداوند با نام مقدس‌اش خود را بر موسی و قوم او آشکار می‌کند و نام خدا با خاستگاه عهد مرتبط می‌شود. قوم اسرائیل خدا را با این نام می‌شناسند و به هیچ ویژگی یا تعریف دیگری نیاز ندارند. او به‌مثابه وجود الاهی متشخصی معرفی می‌شود که خود را برای اسرائیل آشکار کرده، آنها را از مصر رها کرده و رابطه‌ای مبتنی بر عهد با آنها به‌وجود آورده است. نام متمایز «ی‌ه‌وه» به این نکته اشاره دارد که او وجودی متشخص است که ماهیت و صفات او با هیچ‌کس مشترک نیست. در واقع، خودآشکارسازی^۱ خدای اسرائیل در این نام مقدس اظهار می‌شود و «ی‌ه‌وه» نام خدای آشکار شده است.^۲ به همین ترتیب، خداوند به‌واسطه نام مقدس‌اش در معبد ساکن می‌شود، درحالی‌که خود در آسمان است. به عبارت دیگر، خداوند با نام مقدس خود در میان قومش حضور می‌یابد و نام او نماینده قدرت، اراده و حضور همه جانبه او می‌شود.^۳ وجود «نام خداوند» در فرشته‌ای که به راهنمایی بنی‌اسرائیل می‌آید، مؤید حضور خداوند در میان قوم او به‌واسطه نام مقدس است: «من فرشته‌ای پیشاپیش شما می‌فرستم تا شما را به سلامت به سرزمینی هدایت کند که برای شما آماده کرده‌ام. ... از دستوراتش پیروی نمایید... زیرا نام من در اوست» (خروج، ۲۳: ۲۰-۲۲).

با این اوصاف، می‌توان دریافت که نام خداوند در کتاب مقدس، چیزی فراتر از یک عنوان متمایزکننده صرف است. نام خدا نشانگر تصور عبری از ذات یا صفت الاهی و ارتباط خدا با قوم او است. نام، خدا را همان‌گونه نشان می‌دهد که برای پرستندگانش شناخته می‌شود. هر بیان جدیدی از علاقه و دلبستگی‌های او ممکن است نام جدیدی را برای او به‌وجود بیاورد. همچنین ممکن است نام کهن او به‌واسطه تجربه‌ای متفاوت و نوین از این ارتباط‌های مقدس، مضمون و اهمیتی تازه بدست آورد.^۴

1. Self- Revelation

2. Byrne, M., p. 24.

3. Denny, Frederick M., "Names and Naming", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1986, vol. 10, p. 301.

4. www.JewishEncyclopedia.com/articles/11305-names-of-god

نام‌های گوناگون خدای اسرائیل

نام‌هایی که خدای بنی اسرائیل با آنها خوانده می‌شود، نمایانگر شیوه‌ای است که مؤمنان به او طی قرن‌ها و بر اساس نظام‌های الاهیاتی خود برای ارائه درک‌شان از صفات الاهی در پیش گرفته‌اند. می‌توان گفت نامیدن خدا با عنوان‌های گوناگون راهی در جهت شناخت ویژگی‌های خدا بوده است.

نام‌های خداوند در کتاب مقدس از دو جنبه قابل بررسی است: نخست، اینکه احتمالاً اسرائیلی‌های باستان درباره نام خدای خود به نحوی متفاوت از نام‌های شخصی انسان نیندیشیده‌اند. دوم، اسرائیلی‌های باستان در انتخاب نام خدای خود تحت تأثیر فرهنگ‌ها و جوامع همسایه و دیگر دین‌ها نیز بوده‌اند.^۱ برخی از این نام‌ها در هر دو معنای عام و خاص به کار می‌روند و برخی نام‌های دیگر تنها نام شخصی خدای بنی اسرائیل‌اند. بیشتر این اصطلاحات را کنعانی‌ها برای نام‌گذاری خدایان خود به کار می‌بردند و این جای شگفتی ندارد، زیرا اسرائیلی‌های اولیه از کنعان برخاستند و به زبان کنعانی سخن می‌گفتند.^۲ هرچند، باید اشاره کرد که این اصطلاحات گوناگون در کتاب مقدس، هنگامی که توسط بنی اسرائیل برای نام‌گذاری خدای آنها به کار گرفته می‌شود، به همان خدای واحد بنی اسرائیل اشاره دارد.^۳ هنگامی که یوشع قبایل بنی اسرائیل را برای تجدید عهد، در شیکیم (جایی که نیاکانشان به دیگر خدایان خدمت می‌کردند) احضار می‌کند، به نیاکان ابراهیم اشاره می‌کند (یوشع، ۲۴: ۱-۲). خدایی که با نام «ی‌هو‌ها» بر موسی آشکار شد، به گزارش سفر خروج (۳: ۶)، همان خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب بوده است.^۴

با توجه به متن کتاب مقدس عبری، خداوند به نام‌هایی چون ال، الوهیم، آدونای و یهوه خوانده می‌شود که هر یک از آنها خاستگاهی فراتر از دنیای کتاب مقدس دارد. برای درک

1. Byrne, M., pp.16-17.

۲. همچنان که در کتاب اشعیا آمده: «در آن زمان، پنج شهر در سرزمین مصر از خداوند قادر متعال پیروی می‌کنند و به زبان کنعانی سخن خواهند گفت» (۱۹: ۱۸).

3. Hartman, Louis F. & D. S. Sperling, "God, Names of", *Encyclopedia Judaica*, New York, 2007, vol. 7, p. 672.

۴. درباره این مسأله اختلاف نظرهایی میان پژوهشگران وجود دارد و نمی‌توان با قطعیت درباره آن چیزی گفت. نک: ادامه مقاله.

درست معنا و مفهوم این نامها باید آنها را با توجه به زمینه‌های شکل‌گیری و ریشه‌های زبانی‌شان بررسی کرد و این امر دشواری کار را دوچندان می‌کند. تلاش برای این است که با رویکردی توصیفی-تاریخی به این مسأله بپردازیم و با توجه به خاستگاه و ریشه‌های زبانی هریک از این نامها، راهی به سوی درک درست و دقیق آن بگشاییم.

إل

رایج‌ترین و کهن‌ترین نامی که همه اقوام سامی بر خدا نهاده‌اند «إل»^۱ است؛ نامی با معنایی نامعین، که اغلب به «شخص نیرومند»^۲ یا «حاکم»^۳ تفسیر می‌شود.^۴ این واژه در زبان اکدی «ایلو»^۵ یا «ایلوم»^۶، در زبان‌های کنعانی و آرامی إل یا «ایل»،^۷ و در عربستان جنوبی إلی خوانده شده است.^۸ ریشه اصلی این واژه دانسته نیست؛ اما مشهور است که از ریشه *y/wl* به معنای نیرومند بودن^۹ گرفته شده است. ارتباط این واژه با واژه‌ی عبری *ayil* به معنای رهبر یا رئیس^{۱۰} نیز دور از ذهن نیست.^{۱۱} از آنجاکه قدرت از ویژگی‌های ضروری مفهوم خدا به‌شمار می‌آید، احتمالاً این اصطلاح در مفهوم انتقال‌یافته «قدرت» برای خدا بکار برده شده است.^{۱۲}

پرسش از رابطه میان کاربرد اصطلاح إلی در کتاب مقدس و مفهوم سامی آن پرسشی جدی است و به‌ویژه پس از کشف متون اوگاریتی^{۱۳} که اثبات کرد إلی نه صرفاً اصطلاحی

1. *El*
2. the Strong One
3. the Ruler
4. Hastings, James (ed.), *Dictionary of the Bible*, New York, 1909, p. 299.
5. *Ilu*
6. *Illum*
7. *Il*
8. Hartman, L.F. &..., p. 672; Langdon, S.H. p. 65.
9. To be Powerful
10. Leader / Chief
11. Smith, Mark S., *The Origins of Biblical Monotheism: Israel's Polytheistic Background and the Ugaritic Texts*, Oxford, Oxford University Press, 2001, p. 7.
12. Hartman, L.F. &..., p. 672.
۱۳. Ugaritic texts: اوگاریت شهری باستانی در شمال سوریه بود که امروزه به رأس شمرا معروف است. این شهر در ۱۹۲۹م کشف شد. آثار به‌دست آمده از این منطقه متعلق به قرن‌های سیزدهم و چهاردهم پ م است که بسیاری از جنبه‌های زندگی شهری در اواخر عصر مفرغ را نشان می‌دهد. کاوش‌های باستان‌شناسی

عام برای خدا در جهان سامی باستان، بلکه نامی بود که^۱ در اشاره به یک خدای متشخصی به کار می‌رفت و نام خاص خدای متعال کنعان بود. برخی پژوهشگران بر این باورند که ال یا ایل عبری و آرامی که با ال یا ایل در عربستان جنوبی (ال یا آلاه در عربستان شمالی) برابر است، در اصل یکی از نام‌های خدای ماه بوده است.^۲ همچنین در مواردی اشاره شده که ال در میان آرامی‌ها، فینیقی‌ها و کنعانی‌ها یکی از نام‌های خاص شَمَش (خدای خورشید) بوده است.^۳

در اساطیر اوگاریتی ال در رأس پانتئون کنعانی قرار دارد، آفریننده کائنات و پدر خدایان به‌شمار می‌آید و به سبب حکمتش در داوری بسیار مورد احترام است. مهم‌ترین لقب او «گاو نر ال»^۴ است، که بر قدرت جسمی و نیز توانایی جنسی او دلالت دارد.^۵ بنابراین می‌توان گفت خدای دست‌ساخته هارون به شکل گوساله‌ای زرین (خروج، ۵-۴: ۳۲)، احتمالاً همان ال بوده است، زیرا گوساله (یا گاو نر) نماد سنتی ال در میان کنعانیان به‌شمار می‌رفت.^۶ در دوره‌های بعدی نیز دیده می‌شود که یربعام برای جداکردن قبیله‌های تحت سلطه خود از دیگر نهادهای دینی که نماد وحدت قومی بودند،^۷ دو گاو نر (یا دو گوساله)

در اوگاریت، به‌ویژه بر روی متون مقدس اوگاریتی، اثر شگفتی بر مطالعات کتاب مقدس گذاشته است. درباره متون اوگاریتی آثار فراوانی وجود دارد. برای نمونه نک:

Parker, Simon B. (ed.), *Ugaritic Narrative Poetry*, (Writings from the Ancient World, no.9), Mark S. Smith & etal. (trans.), Society of Biblical Literature, 1997; Pardee, Dennis, *Ritual and Cult at Ugarit*, (Writings from the Ancient World, no. 10), Theodore J. Lewis (ed.), Society of Biblical Literature, 2002.

1. Cross, Frank Moore, *Canaanite Myth and Hebrew Epic*, Cambridge, Harvard University Press, 1973, p. 13; Byrne, M., p. 26.

2. Langdon, p. 5.

3. Ibid, p. 65.

4. The Bull El

5. Holland, Glenn S., *Gods in the Desert: Religions of the Ancient Near East*, New York, 2009, pp. 202-3; Cross, F.M., pp. 15-17.

۶. آرمسترانگ، کرن، *خدانشناسی از ابراهیم تا کنون*، ترجمه محسن سپهر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷، ص ۳۳؛

همچنین برای آگاهی از استدلال‌های گوناگونی که درباره گوساله زرین هارون ارائه شده است نک:

Black, M., p. 238; Cross, F.M., pp. 73-75.

۷. ایستاین، ایزیدور، *یهودیت بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه

ایران، ۱۳۸۵، ص ۳۹.

ساخت و یکی را در شمال پادشاهی خود (دان) و دیگری را در جنوب آن (بِت‌إِل) قرار داد. وی چنین استدلال می‌کرد که این گاوها همان خدایانی هستند که بنی‌اسرائیل را از اسارت مصری‌ها رها کرده‌اند (اول پادشاهان، ۲۸:۱۲-۲۹)، یعنی احتمالاً همان إِل، خدای پدران بنی‌اسرائیل^۲، یا شاید بَعْل خدای کنعانی^۳. با این اوصاف، نمی‌توان هارون یا یربعام را بدعت‌گذار نامید، چرا که آنها ظاهراً فقط احیاگر آیین‌های کهن بنی‌اسرائیل بودند.^۴

برخلاف فرهنگ کنعانی اوگاریتی که در آن ایل بیشتر نام شخصی خدای متعال است تا اسم رایجی برای «خدا»، إِل در عهد عتیق به ندرت به عنوان نام شخصی^۵ خدا به کار رفته است. إِل در سراسر کتاب مقدس عبری یافت می‌شود، اما بیشتر در دو کتاب ایوب و مزامیر آمده است. این واژه در کتاب ایوب، اصطلاحی رایج برای خدای حقیقی است. این اصطلاح در کتاب‌های تاریخی بسیار کم است و در لاویان اصلاً وجود ندارد.^۶ در عهد عتیق نیز همچون پانتئون کنعانی، إِل اغلب برای نشان دادن بزرگی یا تعالی خدا بر دیگر خدایان به کار گرفته شده است. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «إِل بزرگ»^۷ (ارمیا، ۳۲: ۱۸؛ مزامیر، ۷۷: ۱۳)؛ «إِل شگفتی می‌آفریند»^۸ (مزامیر، ۷۷: ۱۴)؛ «خدای خدایان» (دانیال، ۱۱: ۳۶). همچنین در مواردی به جایگاه و مرتبه إِل اشاره شده است، برای نمونه در: «إِل آسمان‌ها» (مزامیر، ۱۳۶: ۲۶)؛ «إِل که بالاست» (ایوب، ۳۱: ۲۸)؛ «إِل متعال» (پیدایش، ۱۴: ۱۸). در مقایسه ذات الهی با انسان نیز از واژه إِل استفاده شده است. برای نمونه در: «خدا

۱. Bethel: خانه خدا/ إِل

2. Cross, F.M., pp. 73-75.

۳. ایپستاین، ایزیدور، ص ۴۰.

۴. درباره نمادپردازی گاو نر، خواه مرتبط با إِل یا دیگر خدایان و عمل یربعام، استدلال‌های گوناگونی ارائه شده است. برای آگاهی بیشتر نک:

Day, John, *Yahweh and the Gods and Goddesses of Canaan*, New York, Sheffield Academic Press, 2002, pp. 34-41.

همچنین برای آگاهی از نمادپردازی «گاو نر» نک:

Cooper, J. C., *An Illustrated Encyclopedia of Traditional Symbols*, Great Britain, Thames & Hudson, 1987, p. 26-27.

5. Personal Name

6. Hartman, F.L., & ..., p. 672; Byrne, M., p. 26.

7. The Great *El*

8. El doing wonders

(ال) انسان نیست که دروغ بگوید» (اعداد، ۲۳: ۱۹)؛ «کیست که در برابر او پاک و درستکار به‌شمار آید؟» (ایوب، ۲۵: ۴؛ و نیز: اشعیا، ۳۱: ۳؛ حزقیال، ۲۸: ۹؛ هوشع، ۱۱: ۹).

ال، در توصیف قهرمانان و شخصیت‌های مهم نیز به‌کار رفته و اغلب با یک صفت، یک حرف اضافه و یا همراه با پسوند اول شخص آمده است، همچون *إلی*^۱ یا *الوئی*^۲؛ همان‌که عیسی بر فراز صلیب به زبان آورد^۳: «إلی، إلی، إلی لَمَّا شَبَقْتَانِي؟»^۴ یعنی خدای من، خدای من، چرا مرا تنها گذاشتی؟ (متی، ۲۷: ۴۶). *إل* در توصیف خدای بیگانه (تثنیه، ۳۲: ۱۲؛ ملاکی، ۲: ۱۱) یا ناشناس (مزامیر، ۴۴: ۲۱) نیز به‌کار رفته است. افزون بر این، در عهد عتیق *إل* به‌عنوان یکی از اجزای نام‌های تئوفوریک^۵ آمده که گاه به‌عنوان جزء نخستین، همچون ایلیا، الیشع، الیهو، و گاه به‌عنوان جزء پایانی، همچون اسرائیل^۶ و سموئیل دیده می‌شود.^۷ می‌توان

1. Eli
2. Eloï

۳. ماسون، دنیز، ص ۵۲.

4. *Ē-lī, Ē-lī, Lā-mā Šā-bāch-thā-nī?* (the Holy Bible, King James, 1809).

در ترجمه فارسی کتاب مقدس این عبارت به‌صورت «ایلی، ایلی، ایلی لَمَّا شَبَقْتَانِي؟» آمده و در ترجمه عربی عبارت «إِیْلِی، إِیْلِی لَمَّا شَبَقْتَانِی؟» به‌عنوان معادل آن به‌کار رفته است (الکتاب المقدس، بیروت، جمعیات الکتاب المقدس فی المشرق، ۱۹۸۹). با توجه به متن عبری و انگلیسی کتاب مقدس ابهامی در این دو ترجمه دیده می‌شود و به هر حال حرف «لام» در اینجا ظاهراً نباید مفتوح باشد. پرداختن به این بحث نیازمند فرصتی دیگر است.

۵. Theophoric Name: از ریشه یونانی *theoforetos* به‌معنای در برداشتن نام یک خدا (*The Chambers Dictionary*, 2008, p. 1587). سبکی ویژه در نام‌گذاری است که در آن نام خدا یکی از اجزای نام شخص به‌شمار می‌رود. این سبک نام‌گذاری در بین اقوام بابل و آشور باستان دیده می‌شود؛ نام‌هایی چون آشوربانی‌پال یعنی «آشور [نام یک خدا] فرزند را آفرید» یا نابوکودوروسور (نبوکدنصر در کتاب مقدس) یعنی «نابو [نام یک خدا] از این ملک محافظت می‌کند»، از این دست است. این شیوه در بین فینیقی-ها، عبری‌ها و اعراب نیز با نام‌هایی چون «هانیبال» (لطف بعل)، «یونانان» (هدیه یهوه) و «عبدالله» (بنده الله) وجود داشته است. نک: *The New Encyclopedia Britannica*, vol. 24, 1989, p. 73.

۶. برخی پژوهشگران چنین استدلال می‌کنند که با توجه به ساخت و ترکیب نام «اسرائیل / ییسرال» می‌توان گفت که خدای اصلی قوم یهود *إل* بوده نه یهوه. چراکه نام اسرائیل در بردارنده عنصر الاهی *إل* است و اگر یهوه خدای اصلی اسرائیل باشد، این نام باید به صورت «یسرا-یهوه» (*yisrā-yahweh*) یا «یسرا-یاه» (*yisrā-yāh*) باشد (Smith, M.S., pp. 142-3).

7. Hartman, F.L., & ..., p. 672.

گفت که نام خدای متعال کنعان در این نام‌ها محفوظ مانده است. به‌منظور بیان صفات خدا، ال به‌صورت‌های گوناگونی پدیدار شده است. این نام‌ها از ترکیب عنصر ال با یک شبه اسم یا صفت به‌وجود آمده‌اند که در میان آن‌ها «ال ایون»^۱، «ال اولام»^۲، «ال روئی»^۳، «ال بریت»^۴، «ال الوهی یسرال»^۵ و «ال شدای»^۶ برجسته‌تر است. بیشتر این القاب به مکان‌های مقدس و نیایش‌گاه‌های مشایخی وابسته‌اند^۷ که در ادامه به بررسی برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

ال ایون

واژه عبری «الیون»، صفتی به‌معنای «عالی / بالایی»^۸ و «برتر»^۹ است که احتمالاً در اصل نام خدایی کنعانی بوده، اما بعدها برای خدای حقیقتی یهود به‌کار رفته است.^{۱۰} در فهرستی از اسامی خدایان که از معاهده‌ای آرامی در قرن هشتم پ م به‌جای مانده است، اصطلاح *lwllyn* به‌چشم می‌خورد که برخی پژوهشگران آن را «ال و ایون»، یعنی دو خدای متمایز، و دیگران به‌صورت «ال، که ایون است» تفسیر کرده‌اند.^{۱۱} همچنین ال ایون نام یکی از خدایانی است که یبوسیان به‌همراه سالیم^{۱۲} و لیجم^{۱۳} (خدای کشاورزی) می‌پرستیدند.^{۱۴} ایون در اشاره به خدا به «متعال»^{۱۵} ترجمه شده و از آن‌جایی که ایون در اشاره به خدا، هرگز با حرف تعریف «ها»^{۱۶} نیامده است، باید آن را همچون اسمی خاص، یکی از نام‌های خدا (متعال) در نظر گرفت.^{۱۷} برای نمونه در مزامیر آمده: «تو شادی و خوشی من هستی و

1. *El Elyōn*
2. *El Olām*
3. *El Rō`i*
4. *El Berit*
5. *El elōhe yisrā`el*
6. *El Šaddai*
7. Cross, F.M., pp.46-47.
8. Higher/ Upper
9. Highest
10. Hartman, F.L., &..., p.672; Hastings, J., p.299.
11. Hartman, F.L., &..., p.673; Cross, F.M., p.51.
12. Salim
13. Lehem
14. Holland, G.S., p.221.
15. Most High
16. *ha*
17. Hartman, F.L., &..., p.672.

من در وصف تو ای متعال می‌سرایم» (۲: ۹)؛ «من شما را خدایان خواندم و لقب فرزندان [خدای] متعال را به شما دادم» (۶: ۸۲). ایون در مواردی به‌عنوان معادل یهوه (یا لقب او) ذکر شده است: «خداوند (یهوه)، خدای متعال از آسمان... سخن گفت» (۱۳: ۱۸)؛ و گاه نیز معادل ال آمده است (اعداد، ۲۴: ۱۶؛ مزامیر، ۱۰۷: ۱۱)، شَدای (مزامیر، ۹۱: ۱) و اِلوهیم (مزامیر، ۵۷: ۲). افزون بر این، اِل ایون به‌صورت صفت و موصوف در ماجرای ابراهیم و ملک‌یصدق نیز آمده: «ملک‌یصدق، پادشاه سالیم (اورشلیم)، که کاهن خدای متعال [اِل ایون] بود... ابرام را برکت داد و چنین گفت: سپاس بر خدای متعال [اِل ایون]، آفریننده آسمان و زمین که تو را بر دشمن پیروز گردانید. او تو را برکت دهد» (پیدایش، ۱۴: ۱۸-۲۰). از آن پس ابراهیم لقب «متعال» (ایون) را به‌عنوان واژه وصف‌کننده خدای خویش پذیرفت و به خدای متعال (اِل ایون)، آفریننده زمین و آسمان سوگند یاد کرد (پیدایش، ۱۴: ۲۲).

اِل اولام

در سفر پیدایش آمده که «ابراهیم در کنار بئر شبع درخت گزی کاشت و یهوه، خدای ازلی [اِل اولام] را عبادت کرد» (۳۳: ۲۱). در این آیه ابراهیم خدای خود را با صفت اولام می‌ستاید که واژه‌ای عبری به‌معنای «ازلی» است و احتمالاً یکی از لقب‌های باستانی اِل بوده که در معبد محلی بئر شبع پرستش می‌شده است.^۱ در متون کهن فینیقی نام الاهی اولام در اشاره به مکانی با عنوان «بِت اولام»^۲ [شهر] معبد اولام) به‌کار رفته است. در نسب‌نامه خدایان فینیقی نیز اولام آمده، اما برای اشاره به اِل نیست. گویا برجسته‌ترین شاهدهی که در آن اِل به‌عنوان خدای ازلی تصویر شده، دست‌نوشته‌های کنعانی اولیه متعلق به قرن پانزدهم پ م است. عبارت *ld 'lm, 'il dū 'ōlami*، به‌معنای «اِل، خدای کهن»^۳ یا «اِل، سرور ازلی»^۴ در یک دست‌نوشته کنعانی، مبنایی برای اِل اولام در کتاب مقدس بوده است.^۵ بنابراین، به نظر هارتمن، ابراهیم تحت تاثیر کنعانیان، اولام را به‌عنوان وصف‌کننده خدای حقیقی خود

1. Hartman, F.L., & ..., p. 673; Cross, F.M., p.50.

2. *bēt olām*

3. El, the Ancient One

4. El, Lord of Eternity

5. Cross, F.M., pp.18-19.

پذیرفته است.^۱ لقبی که ابراهیم به واسطه آن یهوه را ستایش می‌کرد، در اشعیا نیز بازتاب می‌یابد و او یهوه را چنین وصف می‌کند: «خدای ازلی [الوهی اولام]^۲، آفریننده تمام دنیا هرگز درمانده و خسته نمی‌شود...» (۴۰: ۲۸). همچنین در سفر تثنیه، خداوند الوهی قدیم^۳، یعنی خدای قدیم خوانده می‌شود که با بازوان ابدی‌اش (زرعوت اولام)^۴ از اسرائیل محافظت می‌کند (۳۳: ۲۷).

إل شَدای

مکررترین و درعین‌حال مبهم‌ترین لقبی که برای خدای اسرائیل به کار رفته، إل شَدای است. شَدای نام اولیه خدای مشایخی در سنت کاهنی^۵ است. معنای اصلی این واژه روشن نیست، اما ریشه‌های معنایی گوناگونی برای آن ذکر شده است. به اعتقاد برخی پژوهشگران شَدای یا شَدایو^۶ از ریشه ثدو/ ثدی^۷ (به معنای پستان و کوهستان)^۸ گرفته شده است.^۹ همچنین اشاره شده که احتمالاً از ریشه عبری شَداد^{۱۰} (سرنگون کردن^{۱۱}) به معنای «ویرانگر»^{۱۲} یا شَدَه^{۱۳} (جاری کردن^{۱۴}) به معنای «باران آور»^{۱۵} گرفته شده است. این اصطلاح گاهی به «کوهستان من»^{۱۶} یا «پروردگار من»^{۱۷} تفسیر می‌شود^۱ که با ریشه اکدی آن، یعنی شَدو^۲

1. Hartman, F.L. & . . . , p.673

2. *Elohei olam*

3. *Eloheiqedem*

4. *Zero'otolam*

5. Priestly tradition

6. *šadayyu*

7. *tdw/y*

۸. معنای نخست ثدی، پستان، با ثدی (*tdy*) عربی، شادیم (*šādāyim*) عبری، ثد (*td/dd*) اوگاریتی و تَدَیَا (*tēdayyā*) آرامی برابر است. معنای دوم‌اش کوهستان نیز به نوعی در معنای نخست ریشه دارد (Cross, F.M., p. 55).

9. Cross, F.M., pp.52-54.

10. Shadad

11. to overthrow

12. the Destroyer

13. Shadah

14. to pour

15. the Rain-giver

16. My Mountain

17. My Lord

به معنای «کوه» مرتبط است. بدین ترتیب، اِل شَدای «خدای کوهستان» معنا می‌شود.^۳ در همین راستا می‌توان اِل شَدای را با ایلو-شَدو- نی^۴ یعنی «خدا، کوهستان ماست» یا «پشتیبان ماست» مقایسه کرد. در این جا کوهستان یکی از لقب‌های ایلو خدای اکدی است.^۵ در جای دیگر آمده که شَدای با طوفان و جنگ مرتبط است و با عمورو^۶ (خدای طوفان عموری) مقایسه می‌شود.^۷ به‌طور کلی می‌توان گفت شَدای یکی از لقب‌های سنتی اِل یا دیگر خدایان سامی بوده که به عهد عتیق راه یافته است.^۸

در عهد عتیق نام کامل اِل شَدای تنها در ارتباط با ابراهیم (پیدایش، ۱۷: ۱)، اسحاق (پیدایش، ۲۸: ۳) و یعقوب (پیدایش، ۳۵: ۱۱؛ ۴۳: ۱۴؛ ۴۸: ۳) آمده است و به «خدای قادر مطلق»^۹ تفسیر می‌شود. شَدای (قادر مطلق) به‌تنهایی نیز به‌عنوان نام شاعرانه خدا بارها در متون ادبی عهد عتیق آمده است (اشعیا، ۱۳: ۶؛ حزقیال، ۱: ۲۴؛ مزامیر، ۶۸: ۱۵؛ ۳۱ بار نیز در ایوب آمده است).^{۱۰}

شَدای، در عهد عتیق یکی از نام‌های نمادین خداست. در مواردی به صخره یا کوه تفسیر می‌شود که نماد قدرت خداوند است. مثلاً در سفر تثبیه، خداوند صخره‌ای عادل و باانصاف و حامی بنی اسرائیل توصیف می‌شود، در حالیکه پناه‌جستن به خدایان دیگر پناه- بردن به صخره‌های دیگر است (۴: ۳۱-۳۲، ۳۷). از این رو، می‌توان گفت که احتمالاً ویژگی کوهستان (یا صخره) برای خدای عهد عتیق ریشه در نمادپردازی آن دارد که نشانگر پایداری و جاودانگی او و توانایی او در حمایت از انسان است.^{۱۱} به‌علاوه، با توجه به ریشه‌شناسی شَدای که با مفاهیم پستان، بارندگی و طوفان مرتبط است، می‌توان اِل شَدای را

1. Hastings, J., p.299; Aytoun, Robert, *God in the Old Testament*, New York, 1922, p.28.

2. Šadū

3. Hartman, F.L., &..., p.673.

4. *Ilu- Šadū- ni*

5. Langdon, S.H., p.392.

6. Amurrū

7. Cross, F.M., pp.57-58.

۸. آرمسترانگ، کرن، ص ۲۲.

9. God Almighty

10. Hartman, F.L., &..., p.673.

۱۱. برای آگاهی از نمادپردازی «کوه» نک: Cooper, J.C., pp.109-110

نماد باروری و زایش دانست.^۱ چنان که در سفر پیدایش آمده، در بازگشت یعقوب به بت-إل، الوهیم بصورت إله‌ش‌دای بر وی ظاهر شد، او را برکت بخشید و باروری و بقای نسل را به او بشارت داد (۱۱: ۳۵)؛ در جای دیگری یعقوب از إله‌ش‌دای می‌خواهد که یوسف را از برکات آسمانی و زمینی بهره‌مند گرداند و فرزندانش را زیاد کند (۴۹: ۲۵).

الوهیم^۲

در سفر پیدایش آمده که یعقوب پیش از ترک بت‌إل تصمیم گرفت خدایی را که در آن‌جا مشاهده کرده بود، «الوهیم» خود سازد (۲۸، ۲۰-۲۲). این که یعقوب بر آن شد که إله، خدای متعال کنعان را الوهیم خود سازد، نشانگر مفهوم والا و عظمت الوهیم در مقایسه با إله است. خاستگاه و معنای اصلی الوهیم نامعین است. در برخی منابع آمده که الوهیم جمع واژه إلوآه^۳، و از إله مشتق شده است.^۴ طبق نظریه‌ای دیگر احتمالاً با فعل عربی «أله»^۵ به معنای «ترسیدن» پیوند دارد؛ از این رو، الوهیم «کسی که هیبت دارد» یا «کسی که پناهگاه ترسندگان است» معنا می‌شود، همانند خدای اسحاق (پیدایش، ۳۱: ۴۲).^۶ در واقع، این اصطلاح یادگار نظام‌های چند خدایی دوره پیش از تاریخ، و به احتمال قوی یا اسم جمع عظمت^۷ (چنان که در عبری رایج است)، یا نشانگر کمال خداوند است.^۸ به اعتقاد برخی پژوهشگران، خاستگاه الوهیم عبری را می‌توان در «ایلانی‌هایبری»^۹ (خدایان هابیرو) جست. چراکه عبری‌ها پیش از ورود به کنعان به مدت ۶ قرن به عنوان سربازان مزدور و بازرگان در خدمت بابلی‌ها، آشوری‌ها، هیتی‌ها (حتی‌ها)، میتانی‌ها و آرامی‌ها بودند و استفاده آنها از

۱. برای آگاهی از نمادپردازی «پستان» و «طوفان» نک: ibid, pp. 25, 16؛ و برای آگاهی بیشتر از خاستگاه

إله‌ش‌دای نک: Cross, F.M., pp.52-60

2. Elohim

3. Eloah

4. Hartman, F.L., & ..., p. 674.

۵. فعل «أله» در عربی معناهای گوناگونی دارد، از جمله ترسیدن، متحیر شدن و پناه دادن. اسم جلاله «الله» نیز

از این فعل گرفته شده است. (برای آگاهی بیشتر نک: ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد، لسان العرب،

جلد ۱۳، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵، ص ۴۶۷).

6. www.JewishEncyclopedia.com

7. plural of majesty

8. Hastings J., p.299.

9. *ilani Habiri*

ایلانی هابیری (خدایان هابیرو) شباهت زیادی به الوهیم عبری دارد. می‌توان گفت اقوام هابیرو و خدای‌شان «ایلانی»، با عبری‌ها و خدای‌شان «الوهیم» برابر است و در این راستا، خدای عبری ال، ال‌اه و الوهیم با ایلانی یکی است.^۱ الوهیم چکیده همه معنایی است که از مفهوم خدا در اندیشه سامیان بوده است.^۲ الوهیم به معنای واقعی کلمه به «الوهیت» اشاره دارد. در نیمه دوم هزاره دوم پ م گرایش به نوعی شبه یگانه‌پرستی در خاور نزدیک وجود داشت و هر خدایی می‌توانست صفاتی را از دیگر خدایان در خود داشته باشد. از این‌رو، یک خدای فردی با نام «الوهای»،^۳ یعنی «خدایان من» مورد خطاب واقع می‌شد.^۴ اسرائیلی‌های اولیه در اشاره به خدای‌شان، هیچ ناسازگاری‌ای با این‌گونه اصطلاحات در خود احساس نمی‌کردند. در عهد عتیق، الوهیم بیش از ۲۰۰۰ بار در اشاره به خدای بنی‌اسرائیل، و اغلب با عنوان ها- الوهیم (خدای حقیقی) به کار رفته است. الوهیم در اشاره به خدای بنی‌اسرائیل همواره با فعل مفرد آمده، اما گاهی نیز با یک فعل جمع یا یک صفت همراه می‌شود (مثلاً پیدایش، ۲۰: ۱۳؛ خروج، ۳۲: ۴)، به‌ویژه در بیان الوهیم حیم (خدای زنده). هرچند، همواره این شکل جمع به صورت مفرد تلقی می‌شود. مفرد الوهیم، یعنی الواه به‌ندرت در کتاب مقدس آمده، اما در کتاب ایوب ۴۰ بار ذکر شده است.^۵ نام الوهیم در عهد عتیق نشانگر صفت داوری خدای بنی‌اسرائیل است.^۶ الوهیم به‌عنوان اسم جمعی متداول برای خدایان بیگانه (دوم‌تواریخ، ۳۲: ۱۵)، وجودهای ماوراءطبیعی (اول سموئیل، ۲۸: ۱۳) و قاضیان این جهان (مزامیر، ۸۲: ۱) نیز به کار رفته است.

1. Langdon, S.H., pp.72-73.

۲. آرمسترانگ، کرن، ص ۲۵.

3. *elohai*

۴. این شیوه در میان فینیقی‌ها و کنعانی‌ها بسیار برجسته بود. نک: Langdon, S.H., pp.72-73

5. Hartman, F.L., & ..., p. 674.

6. Suffrin, A. E., "God (Jewish)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), vol. 6, New York, 1980, p. 296.

آدونای^۱

اصطلاح آدون^۲ یا جمع آن آدونای در کتاب مقدس اغلب برای اشاره به هر موجود انسانی که دارای نوعی اقتدار باشد، به کار رفته است.^۳ آدونای معمولاً به سرور^۴، ارباب^۵ یا مالک^۶ ترجمه می‌شود. اصطلاح از ریشه «آدن»^۷ اوگاریتی به معنای سرور یا پدر، یا «آدانو»^۸ اکدی به معنای نیرومند گرفته شده است.^۹ افزون بر این، در اسطوره‌های کنعانی و فینیقی آمده که سوگواری برای مرگ خدای گیاهان با عبارت «هی آذنی»^{۱۰} یعنی «افسوس! سرور من»^{۱۱}، صورت می‌گرفت. بنابراین می‌توان گفت که تلفظ فینیقی اصلی این واژه، آدون^{۱۲} است و منحصرأ به فهرست واژگان عبری و فینیقی تعلق دارد.^{۱۳} در همین راستا در کتاب ارمیا آمده که در سوگواری پادشاهان یهودیه عبارت «هی آذن»^{۱۴} (افسوس! سرور من) به کار می‌رفته است (۵: ۳۴). به این ترتیب می‌توان دریافت که اسرائیلی‌های باستان سروران انسانی یا آسمانی‌شان را آدونای می‌نامیدند. نام‌گذاری فرزند داوود به «ادونیا»^{۱۵} (یهوه سرور من است) (سموئیل دوم، ۳: ۴) نیز یکی از کهن‌ترین نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد اسرائیلی‌ها از مفهوم آدونای بهره می‌جستند.^{۱۶}

اصطلاح آدون یا آدونای در عهد عتیق جلوه‌های گوناگونی دارد و برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: به‌عنوان حاکم یک کشور (پیدایش، ۴۲: ۳۰)؛ ارباب یک برده (پیدایش، ۲۴: ۶۵)؛ یا شوهر یک زن (پیدایش، ۱۸: ۱۲). همچنین گاهی در خطاب مؤدبانه به یک مرد، از آدونی (سرور من) (پیدایش، ۲۳: ۶) و در خطاب به چندین مرد از آدونای

1. Adonai
2. Adon
3. Hartman, F.L., & ..., p.674.
4. Lord
5. Master
6. Owner
7. *adn*
8. *adannu*
9. Byrne, M., p.25.
10. *hoi adōnī*
11. *Alas! my Lord*
12. *adun*
13. Langdon, S.H., p.76.
14. *hoi adōn*
15. Adonijah
16. Byrne, M., p.25.

(سروران من) (پیدایش، ۱۹: ۲) استفاده شده است. با این همه، در خطاب به خداوند همواره صورت جمع آدونای به کار می‌رود، زیرا آدونای همانند الوهیم اسم جمعی است که در معنای مفرد به کار می‌رود.^۱ به علاوه، جمع بودن آدونای برای بیان عظمت خداوند است.^۲ آدونای بعدها به عنوان یکی از نام‌های خاص خداوند، و جایگزینی برای نام «ی‌ه‌وه» به کار می‌رود.

«ی‌ه‌وه» (تتراگرامتون)^۳

در کتاب مقدس عبری، نام شخصی خدای بنی اسرائیل با چهار حرف صامت «ی‌ه‌وه» نوشته شده و با عنوان «تتراگرامتون»^۴ به آن اشاره شده است.^۵ تتراگرامتون یا «ی‌ه‌وه» بیش از ۶۰۰۰ بار در کتاب مقدس و اغلب برای متمایز نمودن خدای بنی اسرائیل از خدایان دیگر ملت‌ها به کار رفته است، اما تلفظ اصلی آن روشن نیست.^۶

معنای «ی‌ه‌وه»: برای «ی‌ه‌وه» معانی گوناگونی (تتراگرامتون) ارائه شده است. در عهد عتیق آمده که نخستین بار که خداوند در کوه حوریب بر موسی ظاهر شد و به وی فرمان‌هایی داد، موسی گفت: «اینک چون من نزد بنی اسرائیل بروم و به آنها بگویم که خدای پدران شما مرا نزدتان فرستاده و از من بپرسند که نام او چیست، به آن‌ها چه پاسخ

1. Hartman, F.L., &..., pp.674-5.
2. www.JewishEncyclopedia.com
3. YHWH (Tetragrammaton)

۴. تتراگرامتون، در اصل به معنای «واژه چهار حرفی» است که از اصطلاح یونانی تترا (چهار) + گراما (حرف) گرفته شده و به نام خدای اسرائیل اشاره دارد. (Merriam-Webster's Collegiate Dictionary, 2005, p.1292). نام چهارحرفی خداوند به عنوان نمادی عرفانی نیز مورد توجه است. «چهار» عددی تمثیلی در عهد عتیق است و نام چهارحرفی خداوند نماد جامعیت و کمال است. مثلاً در قبلا اشاره شده که ارزش عددی «ی‌ه‌وه» بر طبق شماره‌گذاری‌های ابجد [ی (۱۰) + ه (۵) + و (۶) + ه (۵)] = ۲۶ با تعداد حروف الفبای عبری (۲۶) برابر می‌شود. نک:

Von Stuckrad, Kocku von (ed.), *The Brill Dictionary of Religion*, Leiden, 2006, p.1362.

همچنین برای آگاهی درباره نمادپردازی «عدد چهار»، نک: Cooper, J.C., pp.115-116

5. Hartman, F.L., &..., p.675.
6. Byrne, M., p.22.

دهم؟ خدا به موسی گفت: هستم، آن که هستم (ایهیه آشیر/ایهیه)^۱. به بنی اسرائیل بگو هستم مرا نزد شما فرستاده است» (خروج، ۳: ۱۳-۱۴). هستم یا به عبری ایهیه بعدها در یک شکل دستوری عبری به «ی ه وه» (یا یهوه) تبدیل می شود (ایهیه فعل اول شخص مفرد و یهوه فعل سوم شخص مفرد است). به اعتقاد برخی پژوهشگران «ی ه وه» در اصل جزئی فعلی از یک نام جمله‌ای^۲ است که در کنعان جنوبی رایج بوده است.^۳ «ی ه وه» را می توان با کمی تسامح چنین معنا کرد: «او سبب بودن می شود، او به وجود می آورد». در عین حال، ریشه اصلی این واژه به درستی مشخص نیست. به عقیده بسیاری از پژوهشگران «ی ه وه» از ریشه عبری هییه (ه ی ه)^۴ به معنای «بودن» یا صورت قدیمی آن، هوه/ هوی (ه وه)^۵ گرفته شده است. در این راستا یهوه به معنای «او که هست»^۶ یا «او که خواهد بود»^۷ است.^۸ گرچه، دشواری های ریشه‌شناختی بسیاری برای پذیرش این اشتقاق وجود دارد، اما این امر نشان‌دهنده معنایی است که عبری‌ها به این نام داده‌اند. به عبارت دیگر، این بیان به ماهیت بنیادین او اشاره‌ای نمی کند، بلکه به آن چیزی اشاره دارد که او از خود به قومش نشان می‌دهد.^۹ معنای دیگری نیز برای این نام ذکر شده است، همچون: (۱) آفریننده، از ریشه هییه یا هوه به معنای «سبب شدن» که در این صورت یهوه به معنای «سبب شونده» و علت هستی است (۲) زندگی بخش، از ریشه هییه به معنای «زندگی کردن» (۳) دمنده، از ریشه هووا^{۱۰} به معنای «دمیدن»^{۱۱} یا «نفس کشیدن»^۱ (۴) هبوط کننده، از ریشه حوا یا حوه به معنای «هبوط کردن»^۲ (۵) نازل کننده، او علت نزول و هبوط است.^۳

1. *Ehyeh asher Ehyeh*

۲. Sentence-Names: نام‌هایی که در آن یک عبارت تکراری آئینی یا قسمتی از یک دعا به عنوان نام خدا انتخاب می شود. این سبک نام گذاری در نام‌های الاهی سامی غربی فراوان دیده می شود. مثلاً نام «یهوه» در «یهوه صباوت» به معنای «او سپاهیان الاهی را می آفریند»؛ یا نام «آشیره» در «آشیره (اثیره) یمی» به معنای «او کسی است که روی دریا راه می رود» (Cross, J.C., pp.65-67).

3. Cross, J.C., pp.65-66.

4. Hayah (*hyh*)

5. Havah (*hwh*)

6. He who is

7. He who will be

8. Hartman, F.L., & ..., p. 675; Black, p.212.

9. Aytoun, R.A., p.29.

10. Havva

11. to blow

خاستگاه «ی ه وها»: در بررسی برخی نام‌های تئوفوریک همچون یوکابد (یهوه باشکوه است) یا یوناتان (هدیه‌ی یهوه) روشن می‌شود که این نام خارج از فرهنگ دینی اسرائیل وجود داشته و به زمانی پیش از پیدایش یهودیت بازمی‌گردد.^۴ در متون آرامی متعلق به قرن پنجم پ م از آیین «یاهو»^۵ سخن رفته که احتمالاً همان است که بعدها به صورت «ی ه وها» پدیدار شد.^۶ بی‌تردید یهوه یک نام الاهی اولیه است. این نام در متون بدست‌آمده از لائیش (متعلق به قرن ششم پ م) و نیز لوحی سنگی (متعلق به قرن نهم پ م) در مواب به صورت «ی ه وها» نیز یافت می‌شود. همچنین در فهرستی از اسامی مکان‌ها در فلسطین جنوبی (متعلق به قرن‌های سیزدهم و چهاردهم پ م) به صورت «ی ه وی» دیده می‌شود.^۷ بنابراین، خاستگاه اصلی این نام سامی است. بررسی‌های اسطوره‌شناختی درباره‌ی خدای اصلی قبایل دوازده‌گانه اسرائیل نشان از آن دارد که یهوه با خدای آرامی و عموری حداد^۸، آداد^۹، ایلومرو^{۱۰} و مر^{۱۱} خدای یکی بوده است. گروهی بر این باورند که یهوه خدای ماه بود، اما در منابع آرامی و عبری با آداد، خدای طوفان و باران، یکی گرفته شده است.^{۱۲}

هر دو منبع کاهنی (P) و الوهیم‌باور (E) یهوه را با ال خدای مشایخ یکی دانسته‌اند.^{۱۳} به‌علاوه، در هر دو اشاره شده که مشایخ نام یهوه را نمی‌دانستند و این نام نخستین بار بر موسی آشکار شد (خروج، ۳: ۱۳-۱۵). به‌ویژه در منبع کاهنی بیان شده که مشایخ در گذشته خدا را با نام ال‌شدای می‌شناختند (خروج، ۶: ۲-۳). در مقابل، در منبع یهوه‌باور (J) چنین به نظر می‌رسد که نام یهوه از همان آغاز برای فرزندان آدم شناخته شده بوده است

-
1. to breath
 2. to fall
 3. Aytoun, R.A., p.30; Hastings, J., p.299.
 4. Holland, G.S., p.208; Hastings, J., p.299.
 5. Yaho
 6. Pritchard, J.B., pp.491-2.
 7. idem, pp.321-2; Cross, F.M., pp.61-62.
 8. Hadad
 9. Adad
 10. Ilumarru
 11. Mer
 12. Langdon, S.H., pp.42-43.
 13. Cross, F.M., p.71.

(پیدایش، ۴: ۲۶).^۱ در کتاب مقدس عبری به ندرت چیزی درباره تمایز میان ال و یهوه یافت می‌شود، و اگر مغایرتی باشد برضد بعل است نه ال.^۲ بسیاری از پژوهشگران از جمله کراس،^۳ آلبرایت،^۴ فریدمن^۵ و دو مور^۶ یهوه را یکی از لقب‌های باستانی ال در نظر گرفته‌اند.^۷ در مقابل پژوهشگری چون متینگر^۸ با توسل به شواهدی از کتاب مقدس یهوه را خدای طوفان و جنگ می‌داند.^۹ با این همه، برخی پژوهشگران معتقدند که خاستگاه نام یهوه هنوز مبهم است و تلاش برای نشان دادن آن به عنوان یک نام سامی غربی برای خدای طوفان، تنها بر پایه حدس و گمان استوار است. به اعتقاد آن‌ها یهوه یک نام شخصی است که به دوره‌های پیش از تاریخ بازمی‌گردد.^{۱۰}

در عین حال، شباهت زیادی میان ویژگی‌های ال و یهوه دیده می‌شود. هرچند، به بیان آرمسترانگ، یهوه تفاوت‌های فراوانی با ال دارد و فهم ماهیت واقعی آن بسیار دشوار است.^{۱۱} در روایت‌های اولیه بنی اسرائیل بسیاری از رفتارها و نقش‌های ال در رفتارهای یهوه تجلی می‌یابد، چندان که یهوه در حکمت، عمر و آفریننده‌گی ال سهیم می‌شود. یهوه همانند ال در رأس شورای الاهی، پادشاه (خروج، ۱۵: ۱۸)، آفریننده و پدر خدایان است (خروج، ۴: ۲۲؛ اشعیا، ۶۳: ۱۶؛ پیدایش، ۴۹: ۲۵؛ تثنیه، ۳۲: ۶).^{۱۲} یهوه نیز همچون ال، نماد رحمت و شفقت است و در بسیاری موارد با عنوان «ال راحوم و حنون»،^{۱۳} یعنی خدای رحیم و مهربان (خروج، ۳۴: ۶؛ مزامیر، ۸۶: ۱۵) توصیف می‌شود.^{۱۴} اما در دوره آغازین خروج، برخلاف ال، خدایی خشن و تندخو است که مصریان را به بلاهای گوناگون دچار می‌کند

1. Day, J., p.13.

2. Ibid, p. 14; Smith, M.S., p.141.

3. Cross, F.M., pp.60-75.

4. W. F. Albright

5. D. N. Freedman

6. J. C. de Moor

7. Smith, M.S., p.146.

8. T. N. D. Mettinger

9. Smith, M.S., p.141; Day, J., pp. 13-14.

10. Davison, W. T., "God (Biblical and Christian)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1980, vol. 6, p.254.

۱۱. صص ۳۰-۲۹؛ نیز برای آگاهی بیشتر درباره ارتباط ال و یهوه نک: Smith, M.S., pp.135- 148

12. Cross, F.M., p.71; Day, J., pp.17-21.

۱۳. *el-rāhūm wēhannūn*؛ این عبارت را می‌توان با آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» در اسلام مقایسه کرد.

14. Smith, M.S., p.142.

(خروج، ۷-۱۲)، همو که بعدها با عنوان «یهوه صبايوت»^۱ در جنگ‌های مقدس بنی اسرائیل حضور می‌یابد^۲ (خروج، ۱۵: ۳). در واقع، ال در عهد عتیق، پژوهی از ال کنعانی است که بعدها با یهوه یکی می‌شود.^۳ به هر حال خاستگاه یهوه هرچه که باشد، امر مسلم این است که حوادث خروج، او را به خدای یگانه بنی اسرائیل تبدیل کرد و موسی توانست به قوم خود بقبولاند که یهوه نیز همچون ال خدایی یگانه است.^۴

تلفظ «ی ه وه»: در سنت یهودی به زبان آوردن این نام تابو است و گناهی بزرگ تلقی می‌شود که خشم خداوند و هلاکتی سخت را در پی دارد (نک: لاویان، ۲۴: ۱۵-۱۶؛ حزقیال، ۴۳: ۸). از این رو، برای پاسداری از حرمت نام خداوند، عوام از به زبان آوردن آن حتی در نماز و قرائت متون مقدس دست کشیدند. در دوره‌های باستان و طی دوره معبد اول در اورشلیم، کاهنان در مراسم دعا این نام را به زبان می‌آوردند، اما پس از مرگ شمعون دادگر^۵، تنها کاهن اعظم آن هم سالی یک بار در یوم کپیور با لحنی بسیار آرام «نام غیرقابل-بیان»^۶ را به زبان می‌آورد.^۷ در واقع، تا دوره معبد اول در ۵۸۶ پ م نام «ی ه وه» با واکه-های خاص آن تلفظ می‌شد، اما در قرن سوم پ م تلفظ آن ممنوع گردید و آدونای (سرور) جایگزین آن شد، چندان که حتی شکل ترکیبی ادونای- «ی ه وه» در کتاب مقدس به صورت «ادونای- الوهیم» قرائت می‌شد. در اوایل قرون وسطی که برای تسهیل در امر قرائت، متن کتاب مقدس با نشانه‌های آوایی علامت‌گذاری گردید، مصوت‌های آدونای نیز برای قرائت «ی ه وه» به کار گرفته شد و به صورت یهوه درآمد.^۸ «نام چهارحرفی» (تتراگرامتون)، «نام بزرگ»، «نام مقدس و بزرگ» و «نام» (در دوره پسا تلمودی) نیز از دیگر جایگزین‌های نام مقدس یهوه‌اند، اما آدونای متداول‌تر است.^۹

1. *Yahwe Šēbaôt*

۱. برای آگاهی بیشتر درباره یهوه صبايوت نک: Byrne, M., pp.30-33; Cross, F.M., pp.65-70

3. See: Day, J., pp.24-26.

۴. آرمسترانگ، کرن، ص ۳۰.

5. Simon the Just

6. Unutterable name

7. Suffrin, A.E., "God...", p.296; Byrne, M., p.24.

8. Hartman, F.L., & ..., p.675.

9. Suffrin, A.E., "God...", p.296.

از دیگر جایگزین‌های نام «ی‌ه‌و‌ه» اصطلاح «مِمرَا»^۱ (کلمه) است. به گفته بُن‌سیرون عبارت «آن‌که گفت و جهان شد» (همان‌که در ترگوم‌های آرامی به مِمرَا ترجمه شده) یکی از نام‌های شناخته‌شده خداوند در سنت یهود است.^۲ به اعتقاد برخی پژوهشگران، پیش از آنکه آدونای جایگزین «ی‌ه‌و‌ه» شود، مِمرَا به الاهیات یهودی وارد شد و به‌عنوان یکی از نام‌های خدا به‌کار رفت. مِمرَا ۱۸۰ بار در ترگوم آنتلوس^۳، ۱۰۰ بار در ترگوم اورشلیمی^۴ و ۳۲۰ بار در یوناتان مجعول^۵ برای اشاره به نام خداوند آمده است.^۶

سخن پایانی

در پژوهشی که از نظر گذشت، کوشیده‌ایم اطلاعاتی (هرچند ناکافی) درباره نام‌های خداوند در عهد عتیق به خواننده ارائه دهیم و از این‌همه پیچیدگی راهی به‌سوی درک آن بگشاییم. روشن شد که مقوله نام و نام‌گذاری در دوره‌های باستان از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده است. نام، نه یک عنوان متمایزکننده صرف، که بخشی از وجود انسان یا خدا به‌شمار می‌آمد که باید نهایت دقت را در پاسداری از آن به‌کار برد. نام دارای قدرتی واقعی است که هرکس آن را به‌دست بیاورد می‌تواند بر صاحب نام چیره شود. انسان ابتدایی با این اندیشه می‌زیست و بالطبع نام‌ها و ویژگی‌های خدایان خود را نیز با همین اندیشه در ذهن می‌پرورد. در کتاب مقدس بیانی مشابه آنچه که انسان ابتدایی در سر داشت، درباره نام دیده می‌شود. نام مقدس خدا، ابزار قدرت و نماینده او در بین قومش به‌شمار می‌آید. وظیفه قوم پاسداری از حرمت نام مقدس است و هر که از آن تخطی نماید سخت مجازات می‌شود.

۱. *Memra*: در الاهیات یهودی مِمرَا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به اعتقاد برخی پژوهشگران خاستگاه پیدایش لوگوس در انجیل یوحناست. بررسی‌های بیشتر درباره مِمرَا در الاهیات یهود و تأثیرش بر لوگوس نیازمند فرصتی دیگر است.

۲. ماسون، ص ۱۶۱.

۳. *Targum of Onkelos*: قدیمی‌ترین ترگوم موجود که ترگوم بابلی نیز نامیده شده است.

4. *the Jerusalem Targum*

5. *Pseudo- Jonathan*

6. Suffrin, A. E., "Memra", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1980, vol. 8, pp.542-543.

بررسی نام‌های خدا در عهد عتیق، بدون شناخت زمینه‌های سامی آنها کاری بیهوده است. بی‌شک عهد عتیق در بستر تاریخ شکل گرفته و از تأثیر دین‌های هم‌جوار و دین نیاکان اسرائیلی برکنار نبوده است. در متون مقدس عبری نام‌های گوناگونی برای خدا ذکر می‌شود که برخی از آنها بسیار کهن، و برخی در قدمت با دیگر اقوام سامی شریک‌اند. هر یک از این نام‌ها صفتی ویژه به خدا می‌بخشد و حتی در مواردی کارکرد خدا را دگرگون می‌کند. برای نمونه *إل* خدایی مهربان و نرم‌خو است که «چون دوست بر ابراهیم ظاهر می‌شود و حتی گاهی چهره‌ای انسانی به خود می‌گیرد»^۱. اما *یهوه* خدایی خشن و جنگ‌جوست که نیمه‌شب نخست‌زاده‌های مصریان را به قتل می‌رساند (خروج، ۱۲: ۲۹). این ویژگی‌ها برمبنای نیازهای قوم در هر دوره‌ای به خدا داده شده است، همچنان که می‌بینیم *یهوه* در دوره‌های بعد دیگر آن خدای خشن سفر خروج نیست و به خدایی رحیم بدل می‌شود. می‌توان گفت که خدای عهد عتیق، تصویری نو از نمونه‌های سامی باستان است و نام‌های گوناگون او این مطلب را تأیید می‌کند. حاصل سخن این‌که بنی‌اسرائیلی باستان همان خدای نیاکان کنعانی‌شان را به گونه‌ای دیگر می‌پرستیدند. نام‌های گوناگون خدا نشانگر وجود خدایانی با ویژگی‌هایی گوناگون بود که برطبق نیازهای هر دوره‌ای به وجود آمده است. با ظهور یهودیت همگی خدایان در وجود *یهوه* تحلیل رفتند و این امر به یگانه‌پرستی انجامید.

منابع

- آرمسترانگ، کَرِن، *خداشناسی از ابراهیم تا کنون*، ترجمه محسن سپهر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد، *لسان العرب*، قم، نشر آدب الحوزه، ۱۴۰۵.
- ایستاین، ایزیدور، *یهودیت بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، ۱۳۸۵.
- بیرلین، ج. ف.، *اسطوره‌های موازی*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۶.
- فریزر، جیمز جورج، *شاخه زرین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۷.
- کاسیرر، ارنست، *فلسفه صورت‌های سمبلیک*، ترجمه یدالله موقن، تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۷.
- کتاب مقدس.
- *الکتاب المقدس*، بیروت، جمعیات الکتاب المقدس فی المشرق، ۱۹۸۹.
- ماسون، دنیز، *قرآن و کتاب مقدس*، ترجمه فاطمه تهامی، تهران، نشر سهروردی، ۱۳۸۶.

۱. آرمسترانگ، کَرِن، ص ۲۳.

- Aytoun, Robert A., *God in the Old Testament*, London, 1922.
- Black, Matthew (ed.), *Peake's Commentary on the Bible*, London and New York, Routledge, 2001.
- Byrne, Máire, *The Names of God in Judaism, Christianity and Islam: A Basis for Interfaith Dialogue*, London, Continuum, 2011.
- *The Chambers Dictionary*, 10th edition, 2008.
- Cooper, J. C., *An Illustrated Encyclopedia of Traditional Symbols*, Great Britain, Thames & Hudson, 1987.
- Cross, Frank Moore, *Canaanite Myth and Hebrew Epic*, Cambridge, Harvard University Press, 1973.
- Davison, W. T., "God (Biblical and Christian)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1980.
- Day, John, *Yahweh and the Gods and Goddesses of Canaan*, New York, Sheffield Academic Press, 2002.
- Denny, Frederick M., "Names and Naming", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1986.
- Frazer, James George, *Taboo and the Perils of the Soul*, London, 1976.
- Goethe, Johann Wolfgang, *The Autobiography of Goethe, Truth and Poetry: From My Life*, John Oxenford (ed.), London, 1848.
- Hartman, Louis F. & D. S. Sperling, "God, Names of", *Encyclopedia Judaica*, New York, 2007.
- Hastings, James (ed.), *Dictionary of the Bible*, New York, 1909.
- Holland, Glenn S., *Gods in the Desert: Religions of the Ancient Near East*, New York, 2009.
- *The Holy Bible*, King James Version, 1809.
- Langdon, Stephen H., *The Mythology of All Races*, vol. 5 (Semitic), New York, 1964.
- *Merriam-Webster's Collegiate Dictionary*, 11th edition, 2005.
- *The New Encyclopedia Britannica*, 1989.
- Pardee, Dennis, *Ritual and Cult at Ugarit (Writings from the Ancient World, no. 10)*, Theodore J. Lewis (ed.), Society of Biblical Literature, 2002.
- Parker, Simon B. (ed.), *Ugaritic Narrative Poetry, (Writings from the Ancient World, no. 9)* by Mark S. Smith & et al. (trans.), Society of Biblical Literature, 1997.
- Pritchard, James B. (ed.), *Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament*, Princeton, Princeton University Press, 1955.
- Smith, Mark S., *The Origins of Biblical Monotheism: Israel's Polytheistic Background and the Ugaritic Texts*, Oxford, Oxford University Press, 2001.
- Suffrin, A. E., "God (Jewish)", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, ed. James Hastings, New York, 1980.
- -----, "Memra", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, ed. James Hastings, New York, 1980.
- Von Stuckrad, Kocku (ed.), *The Brill Dictionary of Religion*, Leiden, 2006.
- www.JewishEncyclopedia.com/articles/11305-names-of-god